

حدیث سلسله الذهب

حدیث سلسله الذهب، حدیثی است که از حضرت رضا (ع) به هنگام ورود ایشان به نیشابور نقل شده و عده کثیری آن را برای خود نوشته‌اند.



حدیث سلسله الذهب، حدیثی است که از حضرت رضا (ع) به هنگام ورود ایشان به نیشابور نقل شده و عده کثیری آن را برای خود نوشته‌اند. این حدیث با اختلافات ناچیزی مربوط به شرایط و اوضاع و احوال املاء و استملای آن، در منابع کهنی چون تاریخ نیشابور و توحید صدوق، عیون اخبار الرضا، امالی، شیخ مفید، ربیع الأبرار زمخشری، التذوین رافعی، فصول المهمه ابن صباغ مالکی، کشف الغمه اربلی و منابع جدیدتر چون کنز العمال متقی هندی، بحار الانوار مجلسی نقل شده است. در این جا روایتی که مرحوم حاج شیخ عباس قمی، از چند روایت بحار الانوار پسندیده و در سفینة البحار آورده است و برابر با نقل کشف الغمه اربلی در بحار الانوار است، از بحار و سفینه نقل و ترجمه می‌شود: سرور سعید و امام الدنيا عمادالدین محمد بن ابی سعید بن عبدالکریم وزان در محرم سال ۵۹۶ ق نقل کرد که صاحب کتاب تاریخ نیشابور در کتابش آورده که هنگامی که علی بن موسی الرضا (ع) در سفری که در همان سفر به فیض شهادت نایل آمد، به نیشابور رسید، در مهدی بر روی یک استر سفید رنگ مایل به خاکستری نشسته بود و نشستگاه او از نقره خالص بود. در راه بازار امامان حافظ احادیث نبوی یعنی ابوزرعه و محمد بن اسلم طوسی، رحمهما الله به حضور حضرت راه یافتند و گفتند: ای بزرگوار و بزرگ زاده، ای امام و فرزند ائمه، ای سلاله طاهره رضیه، ای خلاصه زاکیه نبویه، به حق پدران مطهر و نیاکان گرامیت، چهره مبارکت را به ما بنما و برای ما از پدران و جدت حدیثی به یادگار نقل کن. استر ایستاد، سایبان کنار رفت و چشمان مسلمانان به طلعت مبارک او روشن شد. گیسوان بافته و فروهشته او همانند گیسوان رسول الله (ص) بود، و مردم از هر طبقه‌ای حاضر و ایستاده بودند. بعضی فریاد می‌زدند، بعضی می‌گریستند و جامه چاک می‌کردند یا در خاک می‌غلطیدند یا باریند استر او را می‌بوسیدند و به سوی سایبان او گردن می‌کشیدند، تا نیمروز شد و اشکها چون جویباران روان بود. بانگ و هیاهو آرام گرفت و بعضی از ائمه و قضاة حاضر در میان جمعیت به دیگران بانگ زدند ای مردم گوش فرا دهید و عترت رسول الله (ص) را نیازید و خاموش باشید. آن گاه حضرت صلوات الله علیه، این حدیث را املا کرد و عده دواتها بالغ بر بیست و چهار هزار بود، به علاوه تعداد بسیاری قلمدان، نویسندگان اصلی حدیث ابوزرعه رازی و محمد بن اسلم طوسی رحمهما الله بودند. حضرت (ع) فرمود: پدرم موسی بن جعفر الکاظم گفت: که پدرم جعفر بن محمد الصادق گفت: که پدرم محمد بن علی الباقر گفت: که پدرم علی بن حسین گفت: که پدرم حسین بن علی شهید ارض کربلا گفت: که پدرم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب شهید ارض کوفه گفت: که برادر و پسر عمم محمد رسول الله (ص) فرمود: که جبرئیل مرا گفت: که از حضرت رب العزه - سبحانه و تعالی - شنیدم که فرمود:

کلمه لا اله الا الله حصنی فمن قالها دخل حصنی و من دخل حصنی امن من عذابی (بحار الانوار، ۱۲۶/۴۹). عبارت حدیث در بعضی منابع تفاوت‌هایی دارد از جمله در توحید صدوق چنین است:

فمن دخله امن من عذابی». شیخ صدوق در توحید این حدیث را با سلسله راویان متفاوت هم نقل کرده است. در یکی از روایتهای او آمده است که چون موبک امام به حرکت در آمد حضرت ندا در داد. «بشروطها و انا من شروطها» و شیخ در توضیح آن نوشته است: «از شروط آن اقرار به حضرت رضا (ع) است به این که امامی از جانب خداوند عزوجل بر بندگان او است و اطاعت از او بر بندگان واجب است» (توحید، صدوق، ۲۵). علامه مجلسی پس از نقل حدیث نوشته است که استاد ابوالقاسم قشیری گفته است که چون این حدیث با این سند به اطلاع یکی از پادشاهان سامانی رسید آن را به زر نوشت و وصیت کرد که آن را همراه او دفن کنند. چون در گذشت به خواب کسی آمد و از او پرسیدند خداوند با تو چه کرد؟ گفت: خداوند به خاطر اقرار و تلفظ به لا اله الا الله و تصدیق مخلصانه‌ام به نبوت محمد رسول الله (ص) و این که این حدیث را به قصد احترام و بزرگداشت آن به زر نوشته بودم، مرا بخشید (بحار الانوار، ۱۲۷/۴۹). این حدیث «به جهت مسلسل بودن آن از ائمه اطهار (ع) تا حضرت رسول (ص) به ۱۷۵

سلسله الذهب معروف شده است» (مقاله «امام رضا (ع)»، دایره المعارف تشیع، ۲/۳۶۶).

منابع: جز آنچه در متن مقاله یاد شده است، سفینه البحار، ۱/۲۲۹؛ صحیفه الامام الرضا، تحقیق محمد مهدی نجف، ۳۹؛ اعیان الشیعه، ۲/ ۱۸۰.

بهاء الدین خرمشاهی